

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٩٢٧٥

۸۷/۱/۱۰۷۲۳۲
۸۷/۱۲/۲۱



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

توصیف دوزخ و بازتاب آن در دیوان و حدیقه الحقیقه سنایی و منطق الطیر عطار

استادان راهنما :

دکتر محمد رضا نصر اصفهانی
دکتر محمود براتی

استاد مشاور :

دکتر سید مهدی نوریان

پژوهشگر :

نبی اله شیخ محمدی

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۰۹۲۷۵



۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابداعات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است



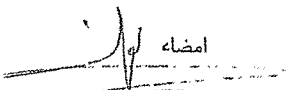
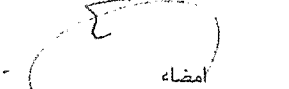
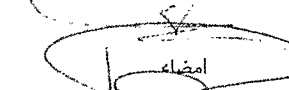
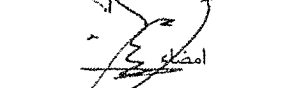
دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

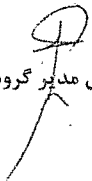
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
آقای نبی اله شیخ محمدی

تحت عنوان

توصیف دوزخ و بازتاب آن در حدیقه و دیوان سنایی و منطق الطیر

در تاریخ ۸۷/۶/۲۶ توسط هیات داوران بررسی و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید.

 امضاء	با مرتبه علمی استادیار استادیار	دکتر محمدرضا نصرافهانی دکتر محمود براتی	۱- استاد راهنمای پایان نامه
 امضاء	با مرتبه علمی استاد	دکتر سیدمهدی نوریان	۲- استاد مشاور پایان نامه
 امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر سیده مریم روضاتیان	۳- استاد داور داخل گروه
 امضاء	با مرتبه علمی استادیار	دکتر علی زمانی	۴- استاد داور خارج از گروه


امضای مدیر گروه

تقدیم به :

تقدیم به روح مهربان پدرم ، تقدیم به مادر مهربانم که اسوه استقامت و بردباری و خلاصه خوبیهاست و همسر م که با گذشت و فداکاریهای خود مرا همراهی نمود تا بتوانم این اثر را بیافرینم و به او برای همکاری و مهربانیش تقدیم نمایم .

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-دوزخ و تعریف آن.....	۱
شواهدی از دیوان حکیم سنایی.....	۲
شواهدی از حدیقه الحقیقه سنایی.....	۳
شواهدی از منطق الطیر عطار.....	۴
هفت دوزخ:	۵
ترکیبات	۵
ملائکه موکل بر دوزخ.....	۶
دوزخ در اندیشه های مذهبی - کلامی.....	۷
۲)دوزخ در معتقدات و ادیان مختلف بشری.....	۸
۱-۲)مرگ.....	۸
۲-۲) معنای لغوی و اصطلاحی معاد.....	۱۰
۳-۲)اهمیت بحث بقا و جاودانگی.....	۱۱
۱-۳-۲) جایگاه بحث.....	۱۲
۲-۳-۲) پیشینه ی بحث در کتاب های کلامی و فلسفه ی دین.....	۱۲
۳-۳-۲) آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد؟.....	۱۴
۴-۲)معاد در ادیان آسمانی.....	۱۵
۱-۴-۲) معاد در ادیان یهود و مسیح.....	۱۵
۲-۴-۲)معاد در دین زرتشت.....	۱۸
داوری جهان.....	۱۸
۳-۴-۲)معاد در اساطیر دیگر.....	۱۹
۴-۴-۲)معاد در دین اسلام.....	۲۰
دلایل حشر سایر موجودات از نظر قرآن.....	۲۱
۵-۲)جهان پس از مرگ.....	۲۸
۱-۵-۲)اساطیر یونان.....	۳۰

۳۱ ۲-۵-۲) اساطیر بین النهرین
۳۳ ۲-۶) دوزخ در اساطیر مصر
۳۴ ۲-۷) دوزخ در اساطیر هند
۳۵ ۲-۸) دوزخ در اساطیر چین و ژاپن
۳۶ ۲-۹) دوزخ در اساطیر بومیان آمریکا
۳۷ ۲-۱۰) دوزخ در اساطیر آفریقا
۳۸ ۲-۱۱) دوزخ در آیین زرتشتی
۴۴ ۲-۱۲) دوزخ در کیش میترائیسم و آیین مانی
۴۵ ۲-۱۳) دوزخ در دین یهود و مسیح
۴۷ ۲-۱۴) دوزخ در آیین اسلام

فصل دوم توصیف دوزخ و زندگی پس از مرگ (آن جهانی) در آثار و کتاب ها

۴۹ ۲-۱) ارداویراف نامه و دوزخ
۵۱ شباهت ارداویراف نامه و کمدی الهی دانته
۵۳ دیدن ویراف دوزخ را
۵۴ ۲-۲) سیر العباد الی المعاد و دوزخ
۵۸ ۲-۲-۱) تأثیر سیر العباد الی معاد سنایی بر کمدی الهی دانته
۶۱ ۲-۳) کمدی الهی و دوزخ

فصل سوم: درکات و باب های دوزخ

۶۵ جهنم ، لظى ، حطمه ، سعیر ، سقر ، جحیم ، هاویه
۶۵ ۳-۱) جهنم
۶۶ فاولک ماواهم جهنم و ساءت مصیرا
۶۸ شواهدی از دیوان حکیم سنایی غزنوی
۶۸ شواهدی از حدیقه الحقیقه
۶۹ ۳-۲) لظى
۷۰ ۳-۳) حطمه
۷۰ حطمه (حَطَمَ).

عنوان	صفحه
سعیر (۴-۳).....	۷۰
شواهدی از دیوان حکیم سنایی غزنوی.....	۷۱
شواهدی از حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی.....	۷۲
شاهدی از منطق الطیر عطار.....	۷۲
سقر (۵-۳).....	۷۲
شواهدی از دیوان اشعار حکیم سنایی غزنوی.....	۷۳
شواهدی از حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی.....	۷۳
جحیم (۶-۳).....	۷۴
شواهدی از حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی.....	۷۵
هاویه (۷-۳).....	۷۶
شواهدی از حدیقه الحقیقه حکیم سنایی غزنوی.....	۷۶

فصل چهارم: دوزخ در آموزه های پیامبران وسیله ای برای انذار و عاقبت گناهکاران

ادریس علیه السلام.....	۷۷
نوح علیه السلام.....	۷۹
هود علیه السلام.....	۸۰
لوط علیه السلام.....	۸۱
موسی علیه السلام.....	۸۲
حضرت محمد (ص).....	۸۴

فصل پنجم: توصیف دوزخ

ویژگی های دوزخ.....	۸۶
استقرار طولانی در دوزخ.....	۸۷
نشانه های دوزخیان.....	۸۸
بی فکری و بی خردی.....	۸۸
چشم دارند اما.....	۸۹
سخن حق را نمی شنوند.....	۸۹
درست بسان دام ها.....	۸۹

عنوان

صفحه

۹۰(۵-۳-۵) و باز هم گمراه ترند.....
۹۰(۶-۳-۵) غفلت زدگی.....
۹۰(۴-۵) سوخت دوزخ
۹۱(۵-۵) راه دوزخ.....
۹۲(۶-۵) راز سقوط به دوزخ
۹۲(۷-۵) دوستان و همنشینان دوزخی
۹۲(۸-۵) دوزخ (جهنم) هفت در دارد
۹۳(۹-۵) انواع عذاب در دوزخ (جهنم).....

فصل ششم: دوزخیان

۹۸(۱-۶) کافران.....
۹۸(۱-۱-۶) خلود در جهنم.....
۹۸(۲-۱-۶) جایگاه بد
۹۸(۳-۱-۶) عذاب شدید جهنم.....
۹۸(۴-۱-۶) پوست عوض کردن.....
۹۹(۵-۱-۶) ادامه ی عذاب.....
۹۹(۵-۱-۶) نوشابه داغ (شراب من حمیم).....
۱۰۰(۷-۱-۶) بی یوری.....
۱۰۰(۲-۶) مدعیان الوهیت.....
۱۰۰(۳-۶) مشرکان.....
۱۰۱(۴-۶) منافقان.....
۱۰۱(۵-۶) بت پرستان.....
۱۰۲(۶-۶) خود داری کنندگان از بندگی خدا.....
۱۰۳(۷-۶) دشمنان خدا.....
۱۰۳(۸-۶) دوستداران و مطیعان دشمنان خدا.....
۱۰۴(۹-۶) باز دارندگان از راه خدا
۱۰۴(۱۰-۶) روی گردانان از دعوت خدا
۱۰۴(۱۱-۶) تکذیب کنندگان آیات الهی

عنوان

صفحه

۱۰۵.....	۱۲-۶) تلاش گران در محو آیات الهی.....
۱۰۵.....	۱۳-۶) نسبت ناروا دهندگان به خدا.....
۱۰۶.....	۱۴-۶) گمراه کنندگان.....
۱۰۶.....	۱۵-۶) مخالفت کنندگان با خدا و رسول.....
۱۰۶.....	۱۶-۶) مستحقان خشم الهی.....
۱۰۷.....	۱۷-۶) گمراهان.....
۱۰۷.....	۱۸-۶) باطل گرایان.....
۱۰۷.....	۱۹-۶) فراموش کنندگان روز قیامت.....
۱۰۸.....	۲۰-۶) تکذیب کنندگان قیامت.....
۱۰۸.....	۲۱-۶) ابلیس و تابعین ابلیس.....
۱۰۹.....	۲۲-۶) سر سپردگان شیطان.....
۱۰۹.....	۲۳-۶) مال یتیم خواران.....
۱۱۰.....	۲۴-۶) ربا خواران.....
۱۱۰.....	۲۵-۶) ستمگران.....
۱۱۱.....	۲۶-۶) وابستگان به ستمگران.....
۱۱۱.....	۲۷-۶) سرکشان.....
۱۱۱.....	۲۸-۶) تجاوزگران.....
۱۱۲.....	۲۹-۶) غافلان و بی خبران.....
۱۱۲.....	۳۰-۶) روی گردانان از جهاد.....
۱۱۲.....	۳۱-۶) خود کشی کنندگان.....
۱۱۳.....	۳۲-۶) زراندوزان :.....
۱۱۳.....	۳۳-۶) دنیا پرستان.....
۱۱۴.....	۳۴-۶) مستکبران.....
۱۱۴.....	۳۵-۶) اسراف کنندگان.....
۱۱۵.....	۳۶-۶) ستیزه گران.....
۱۱۵.....	۳۷-۶) ریشخند کنندگان.....
۱۱۵.....	۳۸-۶) بدکاران.....

صفحه	عنوان
۱۱۶	۳۹-۶ خودداری کنندگان از هجرت.....
۱۱۶	۴۰-۶ زورگویان.....
۱۱۷	۴۱-۶ ناسپاسان.....
۱۱۷	۴۲-۶ عیب جویان.....
۱۱۷	۴۳-۶ دروغ پردازان.....
۱۱۸	۴۴-۶ خود داری کنندگان از پرداخت زکات.....
۱۱۸	۴۵-۶ شکنجه گران.....
۱۱۸	۴۶-۶ بی نمازان.....
۱۱۹	۴۷-۶ بدبختان (شقاوتمندان).....
۱۱۹	۴۸-۶ پیمان شکنان.....
۱۱۹	۴۹-۶ خودداری کنندگان از اطعام مساکین.....

فصل هفتم: افق های شعر و اندیشه و مبانی نظری عرفان عابدانه سنایی

۱۲۴	عوامل فکری.....
۱۲۶	عقاید و افکار سنایی.....
۱۳۱	۱-۷) افق های شعر و اندیشه و مبانی نظری.....
۱۳۲	۱-۷) (۱) رابطه دین و آخرت با دنیا.....
۱۳۹	۱-۷) (۲) علم و علم آموزی.....
۱۴۲	۱-۷) (۳) درباره ی اخلاق.....
۱۴۹	۱-۷) (۵) سرای باقی.....
۱۵۷	۲-۷) سلوک عملی حکیم سنایی غزنوی.....

فصل هشتم: جهان بینی عطار

۱۶۷	دینداری عطار.....
۱۷۱	توبه.....
۱۷۲	دین داری.....
۱۷۲	بهشت و دوزخ.....

صفحه	عنوان
۱۷۴.....	تصویر دنیا.....
۱۷۴.....	۸-۱) افق های شعر و اندیشه ی عطار نیشابوری.....
۱۷۵.....	۸-۱-۱) مرگ و ناپایداری.....
۱۷۶.....	*گریز از مرگ سودی ندارد.....
۱۷۷.....	* مرگ هم سخت است وهم تلخ.....
۱۷۸.....	*تنهاراه مستقیم و کوتاه راه گورستان است.....
۱۷۸.....	*قبر درراه آخرت نخستین منزل است.....
۱۷۸.....	۸-۱-۲) دنیا.....
۱۷۹.....	* دنیا جایی برای اقامت همیشگی نیست.....
۱۸۰.....	۸-۱-۳) وضع دینی.....
۱۸۲.....	۸-۱-۴) دنیا داران.....
۱۸۵.....	۸-۱-۵) ارباب قدرت.....
۱۸۶.....	۸-۱-۶) طبع و حال پارسایان.....
۱۹۰.....	۸-۱-۷) زندگی و حیات پس از مرگ.....
۱۹۲.....	۸-۱-۸) عطار و تجربه دیدار با خویش.....
۱۹۶.....	۸-۲) عرفان عطار.....
۱۹۷.....	*بضاعت راه حق.....
۱۹۷.....	*نفس پرستی.....
۱۹۸.....	*با خدا زیستن.....

فصل نهم: تأثیر پذیری سنایی و عطار از قرآن و حدیث

منابع و مأخذ: ۲۱۰

آفرین جان آفرین پاک را
و ان لیس للانسان اّلا ما سعی^۱

پیشگفتار

یکی از آرزوهای فطری انسان دست یابی به جاودانگی است. مسلم است که هیچ میل فطری در وجود انسان گزافه نیست و این کشش ذاتی برای ماندن، بی پاسخ نخواهد بود. به همین سبب همه ادیان الهی حیات پس از مرگ را به انسان نوید داده اند، تا او امیدوار به زندگی خویش ادامه دهد و آن را پوچ و فانی نپندارد و پس از رنج و بلاهای این جهانی به محل امن و آسایش دنیای دیگر امیدوار گردد. بنا بر این وعده بهشت و دوزخ برای وی خوشایند و ناخوشایند است.

بحث معاد و کیفیت زندگی پس از مرگ از مباحثی است که در بین تمامی ادیان مطرح شده و به دنبال آن موضوع دوزخ و ویژگیهای آن نیز مورد اشاره و توجه قرار گرفته است با توجه به ارتباط ناگسستنی و عمیق ادبیات فارسی با موضوعات و مفاهیم قرآن کریم، به نظر می رسد یکی از جلوه های ادبیات فارسی، موضوع دوزخ و توصیف آن است. بر همین اساس شاعران و نویسندگان به گونه های مختلف از این موضوع تأثیر پذیرفته و با توجه به شیوه و مسلک فکری - مذهبی خود، آن را در آثارشان منعکس نموده و به توصیف ظاهری دوزخ بر اساس آیات قرآن و تفاسیر و اخبار و روایات پرداخته اند.

«یکی از مسائل اساسی همه ادیان الهی و مکاتب های فکری، موضوع معاد و بازگشت انسان پس از مرگ است. انسان ها از طریق انبیاء الهی از آغاز به این نکته توجه داده شدند که دنیای خاکی، آخرین عالم آن ها نیست و پس از این جهان و عالم قبر و دوزخ، عالم آخرت در انتظار آن هاست. بر همین اساس معاد مورد اتفاق همه ادیان و دانشمندان با انصاف قرار گرفته است ولی در مورد چگونگی آن در سه مسئله مهم اختلاف نظر و بحث های مختلفی وجود دارد. این سه مسئله عبارتند از: چگونگی معاد (معاد جسمانی یا روحانی)، واقعیت نعمت های بهشتی و عذاب های جهنمی، مفهوم معانی عذاب، میزان، صراط، خلود و ... در مسیر کشف حقیقت بحث های مربوط به معاد، تنها کسانی موفق بوده اند که مسائل متنوع معاد را از سرچشمه وحی و قرآن کریم و با استفاده از توضیحات حاملین وحی که انبیاء عظام الهی و معصومین (ع) هستند دریافت نموده اند؛ زیرا معاد و سرای جاودان و کمیت و کیفیت آن از اسرار غیبی است که جز از مسیر پیامبران و جانشینان ایشان هرگز برداشت صحیح و کاملی از بحث حاصل نمی شود.»^۲

^۱ -سوره نجم، آیه ۳۹ (و اینکه برای انسان جز حاصل کوشش خویش چیزی نیست).

^۲ -معاد شناسی در قرآن کریم، دکتر محمد بیستونی.

نگارنده با مراجعه به تفاسیر، قوامیس و معاجم قرآن کریم دو هدف عمده را دنبال کرده است. نخست تدوین پایان نامه و دیگر اینکه خود از این کتاب آسمانی توشه بگیرد چون قرآن مجید دارو و درمان امراض روحی و جسمی است و به قدری جامع و تأثیر گذار است که فرموده است: «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا». (اسراء، آیه ۸۲) «و ما آنچه از قرآن فرستیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است و کافران را بجز زیان چیزی نخواهد افزود.»

قُلْ لئن اجتمعت الإنسُ و الجنُّ علی أن یأتوا بمثلِ هذا القرآنِ لا یأتونَ بمثلِهِ و لو کانَ بعضهم لبعضِ ظهیرا.

(اسراء، آیه ۸۸)

بگو ای پیامبر اگر انس و جن فراهم آیند که مانند این قرآن را بیاورند هرگز نتوانند و گر چه بعضیشان پشتیبان بعضی دیگر شوند.

قرآن کارنامه نهضت عظیم اسلام است که جلوه ای از عالم غیب می باشد، قرآن رمز حیات و وسیله نجات و عامل پیروزی و حرکت و ترقی و محور همه قوانین سیاسی، اجتماعی، حقوقی و عبادی بشر است و نسخه شفا بخشی است که هر کس بدان عمل کند و از آن مدد گیرد، سعادت دنیا و آخرتش تامین خواهد شد. از آنجا که ادبیات فارسی با موضوعات و مفاهیم قرآنی عجین و قرین است و ارتباط تنگاتنگ و عمیق بین این دو دیده می شود؛ یکی از جلوه های خاص و زیبای ادبیات فارسی موضوع دوزخ است که در خور توجه می باشد. موضوع دوزخ هم به اندازه موضوع بهشت در ادبیات فارسی بازتاب دارد و شاعران و نویسندگان به صور مختلف از این موضوع تاثیر پذیرفته اند و به شیوه های مختلف فکری - مذهبی خود، آن را در آثارشان منعکس نموده اند. شاعران و نویسندگان عارف و صوفی مسلک با تکیه بر وصال حق و رسیدن به قرب الهی از اعتماد کلی به بهشت و دوزخ پرهیز کرده اند و در نظر آنان بودن در جوار پروردگار و جلوه های محبوب و الطاف معبود، آرزویی شیرین و فراتر از نعمت های بهشت است تا چه رسد به این که قرب و وصال پروردگار را رها کنند و به دوزخ گرفتار گردند.

در این پایان نامه به توصیف، تحلیل و بررسی موضوع دوزخ در قرآن کریم، تفاسیر و قصص قرآن و نیز در آثار و کتابهایی چون ارداویراف نامه، سیر العباد الی المعاد و کمدی الهی دانتیه پرداخته شده است و نیز بازتاب آن در دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه سنایی و منطق الطیر عطار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

فصل اول: کلیات

۱- دوزخ و تعریف آن

دوزخ [ز] (۱) جهنم . جهنم به عقیده همه ادیان ، جایی در جهان دیگر که بزه کاران را در آنجا به انواع عقوبت کیفر دهند . نقیض بهشت و نام درکات آن چنین است : ۱- جهنم ، جای اهل کبایر که بی توبه مرده اند . ۲- لظی ، جای ستاره پرستان . ۳- حطمه ، جای بت پرستان . ۴- سعیر ، مکان ابلیس و متابعان او . ۵- سقر ، جای ترسایان . ۶- جحیم ، محل مشرکان . ۷- هاویه ، منزل منافقان و زندیقان و کفار . (آئند راج) . جای عذاب کافران . (از برهان قاطع) . در آیین زردشتی ، جایی است در جهان دیگر که در آنجا گناهکاران جزای کارهای بد خود بینند ، و آن محلی است سخت عمیق همچون چاهی بسیار تاریک و سرد ، دارای دمه و متعفن و جانوران موذی که کوچکترین آنها به بلندی کوه است به تنبیه روان بدکاران مشغولند ، تشنگی ، گرسنگی ، نگونسار آویخته شدن ، میخ چوبین بر چشم فرو رفتن ، بر تنور گرم چسبیدن پستان (زن) ، به پستان آویخته شدن ، زبان بریده شدن و غیره از انواع شکنجه دوزخیانست . دوزخ در باور اسلامی معادل جهنم است و آن محلی است پر از آتش و مملو از جانوران موذی که گناهکاران را در آنجا به سزای اعمال خود رسانند (از دایره المعارف فارسی) . مقابل بهشت جهنم و سقر . محل گناهکاران و مشرکان در آن عالم . (ناظم الاطبا) ؛ در آیین زردشت برای دوزخ سه طبقه قائل شده اند ، روان گناهکار پس از رسیدن به سر پل چنوت (صراط) در گام اول به دژمت (پندار بد) در گام دوم به

دژوخت (گفتار بد) و درگام سوم به دژ و رشت (کردار بد) داخل شود. سپس از این مهالک گذشته به فضای تیرگی بی پایان در آید و در آنجاست دوز ننگه یعنی جهان زشت که در فارسی دوزخ شده است. (از یشتها ج ۲ ص ۱۷۰). هاویه.

شواهدی از دیوان حکیم سنایی

- | | |
|--|--|
| آواز بر آورد که: ای قوم تن خویش | دوزخ مبرید از پی بهمان و فلان را |
| (همان، ص ۳۲) | |
| گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ | نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا |
| (همان، ص ۵۱) | |
| از آتش دان حواست را همیشه مستی و هستی | ز دوزخ دان نهادت را هماره مولد و منشا |
| (همان، ص ۵۴) | |
| لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید | مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی |
| (همان، ص ۱۰۴) | |
| حسرت آن را کی بود کز دخمه زی دوزخ رود | حسرت آن را کش به دوزخ از سر منبر برند |
| (همان، ص ۱۵۵) | |
| شب به دوزخ رفت آن کش بامدادان گفت بد | این چنین اقبال کس را آسمان ندهد نشان |
| (همان، ص ۴۲۴) | |
| ور از دوزخ همی ترسی شب و روز | دلت پر درد و رخ چون کهربا کو |
| (همان، ص ۵۷۱) | |

دامن توحید گیر پند سنایی شنو

تا که بیابی به حشر ز آتش دوزخ یله

(همان، ص ۵۹۴)

بهشت و دوزخت با تست در باطن نگر تا تو

سقرها در جگر یابی جنانها در جنان بینی

(دیوان سنایی، ۱۳۵۴، ص ۷۰۸)

سنایی در این ابیات جزای اهل دوزخ را آتش می داند و نیز برای رهایی از این آتش دعوت به توحید

، عدم کبر و تکبر به جاه و مقام این دنیایی را بر می شمارد . البته در سخنان سنایی نوعی تهدید و تحذیر هم از

آتش دوزخ برداشت می شود .

شواهدی از حدیقه الحقیقه سنایی

آه عارف چو راه بر گیرد

دوزخ از بیم او سپر گیرد

(حدیقه سنایی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲)

هر کس امروز قبله مطبخ شد

دان که فرداش جای دوزخ شد

(همان، ۳۸۹)

کادمی را درین کهن برزخ

هم ز مطبخ دری است در دوزخ

(همان، ۳۸۹)

در دوزخ فراز کرده و پس

می پزی در بهشت دیگ هوس

(همان، ص ۲۰۵)

گر ترا دیده هست و بینایی

چون ز دوزخ سبک برون نایی ؟

(همان، ص ۲۰۵)

دوزخ از نام او چنان برمد

که ز لاحول دیو جان برمد

(همان، ص ۲۰۶)

کرده دوزخ برای خویش معد

بوالحکم را گزیده بر احمد

(همان، ص ۲۶۹)

سنایی در این ابیات حدیقه ضمن بیان اینکه دوزخ جایی است برای مجازات در آن جهان، سفارش می کند که انسان اگر اسیر و گرفتار طبایع نفسانی چون شکم پرستی، هوا و هوس و غیره شود به حقیقت گرفتار دوزخ و عذاب آن خواهد شد.

شواهدی از منطق الطیر عطار

آن دگر گفتمش که دوزخ در ره است

مرد دوزخ نیست هر کو آگهست

(عطار، منطق الطیر، ۱۳۷۲، ص ۷۳)

گفت اگر دوزخ شود هم راه من

هفت دوزخ سوزد از یک آه من.

(همان، ص ۷۳)

طاعت روحانیون از بهر تست

خلد و دوزخ عکس لطف و قهر تست

(همان، ص ۱۰۵)

گفت فردا اهل دوزخ زار زار

اهل جنت را پیرسند آشکار

(همان، ص ۱۷۸)

چون بگویند اهل جنت حال خویش

اهل دوزخ در جواب آیند پیش

(همان، ص ۱۷۹)

هر کجا کین آتش آید کارگر ز آتش دوزخ کجا ماند خبر

(همان، ص ۱۷۹)

هفت دوزخ

طبقات سبعة ی دوزخ که عبارتند از: جهنم، لظى، حطمه، سعیر، سقر، جحیم، هاویه (از غیاث)^۱

هشت خلدش یک ستانه بیش نیست هفت دوزخ یک زفانه بیش نیست

(عطار، منطق الطیر، ۱۳۷۲، ص ۷)

گر سر مویی نماند از خودیت هفت دوزخ سر بر آید از بدیت

(همان، ص ۲۲۱)

مرد آن باشد که متواری شود سیمرخ وار هشت جنت زیر پر و هفت دوزخ زیر بال

(سنایی، دیوان، ۱۳۵۴، ص ۳۴۵)

ترکیبات^۲

دوزخ سرا. [ز س] (ا مرکب) خانه ای چون دوزخ. سرایی چون جهنم از حیث معذب بودن شخص در آن.

در خون نشسته ام که چرا خوش نشسته اند این خوانندگان خلد به دوزخ سرای ری

(خاقانی، دیوان، ۱۳۶۸، ص ۴۴۳)

دوزخ سرشت. [ز س ر] (ص مرکب) که سرشت دوزخ دارد. که طبیعت جهنم دارد. که چون دوزخ جای شکنجه و آزار و عذاب است. (یادداشت مؤلف):

بهشت این و آن هست دوزخ سرشت به دوزخ نیاید کسی از بهشت نظامی

دوزخ گلو. [ز گ] (ص مرکب) شکم خواره، شکم باره، شکم پرست، پر خوار، پر خواره:

^۱ - لغت نامه دهخدا.

^۲ - لغت نامه دهخدا، ص ۹۸۸۰.

در زمان پیش آمد آن دوزخ گلو حجتش آنکه خدا گفته کلوا مولوی

دوزخبان [ز] (ا مرکب) محافظ دوزخ و مالک جهنم (ناظم الاطباء) زبانیه. (مجمل اللغه) (دهار).

مالک دوزخ: نام فرشته موکل بر دوزخ و دربان جهنم است. و زبانیه فرشتگانی هستند که موکل بر آتشند و ایشان ملائکه عذاب هستند که به شدت تمام کافران را به دوزخ اندازند. به عبارت دیگر خازنان و مالکان دوزخ هستند و بعضی گفته اند: اصل این کلمه، زبانی است.^۱

ای چراغ دل نمی دانی که اندر وصل و هجر دوزخ بی مالک و فردوس بی رضوان تراست

(سنایی، دیوان، ۱۳۵۴، ص ۸۱۲)

مالک خود باش همچون مالک دوزخ از آنک تا نگیرد نوزده اعوانش در محشر اسیر

(همان، ص ۲۸۷)

وگر باد خلقش وزد بر جهنم زبانی مقامات رضوان نماید

(خاقانی، دیوان، ۱۳۶۸، ص ۱۳۱)

ملائکه موکل بر دوزخ

«علیها ملئکه غلاظ شداد لا یعصون ا... ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون». (تحریم، آیه ۶)

«بر آن آتش ملائکه ای موکل شده اند تا انواع عذاب را بر سر اهل دوزخ بیاورند. ملائکه ای غلاظ و شداد.»

«کلمه «غلاظ» جمع «غلیظ» است، و غلیظ ضد رقیق است، و مناسب تر با مقام این است که منظور از «فرشته غلیظ» و «فرشتگان غلاظ» فرشتگانی باشد که خشونت عمل دارند. (چون فرشتگان مثل ما آدمیان قلب مادی ندارند تا متصف به خشونت و رقت شوند) در آیه ای دیگر هم غلظت را عبارت از غلظت در عمل دانسته، فرموده: «جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم». (تحریم، آیه ۹)

^۱ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۷، ص ۱۸۷.